

دکتر مارو ویلسون، پیامبران، جلسه ۱۷، جوئل

مارو ویلسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر مارو ویلسون است که در حال تدریس در مورد پیامبران است. این جلسه هفدهم در مورد کتاب یوئیل است.

دعا می‌کنم هنگام مطالعه کتاب مقدس متوجه شویم که این یک مسابقه کشتی است. این یک هنر است، نه یک علم. جزئیات زیادی وجود دارد که ما را گیج می‌کند. از شما سپاسگزاریم که طرح کلی و تصویر کلی کتاب مقدس را برای هر یک از ما روشن کرده‌اید.

و اگرچه ممکن است گاهی اوقات در مورد جزئیات گیج شویم، از شما سپاسگزاریم که درک می‌کنیم خدایی وجود دارد که قوم خود را دوست دارد، کسی که آنجاست و آنها را به جایی می‌برد. از شما سپاسگزاریم که شما را شناخته‌ایم و کلام شما به عنوان یک راهنما و معلم برای ما مهم است تا بتوانیم راه‌هایی را در زندگی خود درک کنیم که می‌تواند به بهترین شکل شما را خشنود کند. بنابراین، به ما کمک کنید تا کتاب مقدس را بخوانیم، نه به عنوان خلاصه خوانندگان یا مجله تایم یا سایر زمان‌سنج‌ها، که بسیاری از آنها از بین می‌روند بلکه به ما کمک کنید تا آن را به عنوان یک کلام ابدی، دوباره برای نسل خود، همانطور که برای والدین ما بود، جاودانه بخوانیم. ما این را از طریق مسیح، پروردگاران، دعا می‌کنیم. آمین.

امروز، می‌خواهم به جوئل بپردازم و جوئل را معرفی کنم.

اگر کسی از شما اسمی دارد که می‌خواهد برای مراسم عید فصح به برگه اضافه کند، آن را به بقیه هم می‌دهم. و فقط یک یادآوری دوباره که پول آخرین جلسه، یعنی جلسه دوم، را بعد از برگشتن از تعطیلات بیاورید. امیدوارم جلسه اول با یک پاکت و هر کسی که پولش را می‌دهید، باشد.

جوئل یک شاهکار ادبی است. این یکی از آن کتاب‌های کوچکی است که در میان پیامبران کوچک‌تر قرار گرفته و بسیاری از مسیحیان از آن قدردانی نمی‌کنند، زیرا بسیاری از مسیحیان نمی‌توانند با بلای ملخ‌ها ارتباط برقرار کنند. این چیزی است که آقای اسپیلبرگ باید به آن بپردازد.

آفت ملخ، چیزهای بزرگی که با آخرالزمان سر و کار دارند، چیزهای بزرگی که از پایان عصر برای ما صحبت می‌کنند. راستش را بخواهید، وقتی من یک دانش‌آموز راهنمایی بودم، کمی با آفت ملخ آشنا شدم. واقعاً چیز خیلی عجیبی بود.

پدرم داشت می‌رفت پیش خواهرش در اوهایو، و ما داشتیم از جاده‌ی ۶ اوهایو رد می‌شدیم، و اواسط جولای بود. به پدرم گفتم، به آن کامیون‌های بزرگ ایالتی که دارند بزرگراه را شن‌پاشی می‌کنند نگاه کن. الان اواسط جولای است.

ماشین‌های شن‌پاشی همچنان کار می‌کردند. و در واقع، همین کار را می‌کردند. درست مثل شخم زدن جاده شماره ۶ در اواسط زمستان، آنها در اواسط ماه جولای جاده‌ها را شن‌پاشی می‌کردند.

اتفاقی که افتاده بود این بود که یکی از این آفت‌های هفت ساله ملخ از اوهایو عبور کرد و بزرگراه ایالتی مثل زمین اسکیت شده بود، چون بال‌های ملخ‌ها موقعی که لاستیک‌ها از رویشان رد می‌شدند، گیر می‌کرد و آنها

متوقف نمی‌شدند. آنها مثل یک ارتش به هجوم خود ادامه می‌دادند. و بنابراین، بخشی از بزرگراه واقعاً لغزنده بود، اگرچه دمای بیرون 90 درجه بود.

ملخ‌ها داشتند از اوهایو عبور می‌کردند، هر چیز سبزی را که جلوی چشمشان بود، می‌گرفتند و زمین را ویران می‌کردند. نمی‌دانم، من حشره‌شناس نیستم و در مورد این موجودات و اینکه چقدر زیاد می‌آیند، چیزی نمی‌دانم. اما در دنیای کتاب مقدس، از آنها بسیار می‌ترسیدند.

البته، سنتی وجود داشت که صدها سال در مورد ملخ‌ها در مصر منتقل شده بود، و آن یکی از بلاها بود بنابراین، کلمه ملخ کلمه‌ای است که سالانه بر لبان هر فرد یهودی جاری می‌شود، زمانی که قدیمی‌ترین رویداد یادبود در تاریخ قوم یهود، یعنی آزادی از مصر را جشن می‌گیرند. و شما بلاها را به یاد دارید، که ما به عنوان یک کلاس با هم انجام خواهیم داد.

همانطور که شما، در جامعه ما، این را با فرو کردن انگشت کوچک یا احتمالاً چاقوی خود در لیوان شراب و سپس ریختن قطره‌ای از آن ماده قرمز در بشقاب خود، نشان می‌دهید، نام طاعون را فریاد می‌زنید. ملخ‌ها بسیار ترسناک بودند. آنها یکی از دشمنانی بودند که به نابودی فرعون کمک کردند.

و کتاب یوئیل بر آفت ملخ تمرکز دارد که ظاهراً در جریان بوده است. اگر به یکی از آنها نیز نگاه کنید می‌گوید: ای بزرگان، ای همه شما که در این سرزمین زندگی می‌کنید، این را بشنوید. آیا چنین چیزی در روزگار شما یا در روزگار پدرانتان اتفاق افتاده است؟ آن را برای فرزندانان تعریف کنید.

این یک رویداد بزرگ است و شما قرار است برای نسل‌های آینده در مورد آن صحبت کنید. و بنابراین به نظر می‌رسد که لحن صحبت شما این است که یک طاعون واقعی در حال وقوع بوده است. آیا چنین چیزی در روزگار شما اتفاق افتاده است؟ این یک سوال بلاغی است و معنای ضمنی آن خیر است.

این کولاک سال ۱۹۷۸ است، که ما که در دانشگاه زندگی می‌کنیم هنوز با بارش ۳۱ اینچ از آن صحبت می‌کنیم. به دستور فرماندار، هیچ‌کس به مدت دو روز نمی‌توانست دانشگاه را ترک کند. بیش از ۲۰۰ ماشین در جاده ۱۲۸ گیر افتاده بودند، جایی که مردم آنها را رها کردند و گارد ملی آنها را نجات داد.

برخی از این رویدادهای بزرگ طبیعت هنوز هم درباره آنها صحبت می‌کنیم. در این مورد خاص، این پیامبر به خاطر زیبایی ادبی و شیوهی منقطع و کوتاهش در توصیف این هجوم ملخ‌ها مهارت دارد. سه کتاب کوچک سه فصل کوچک در این کتاب، عمدتاً بر طاعون ملخ تمرکز دارند، اما این فقط برای توصیف یک فاجعه طبیعی نیست، زیرا طاعون ملخ بخشی از چیزی است که او در این کتاب شرح می‌دهد، که اصطلاح کلیدی الهیاتی او، یوم یهوه، است.

در ادامه‌ی کتاب، به این روز خداوند بازخواهم گشت. این مهم‌ترین دستاورد الهیاتی کتاب یوئیل است که درباره‌ی روز خداوند صحبت می‌کند. البته، از آنجایی که یوئیل کتابی بود که توسط یهودیان معبد دوم مانند شمعون، یکی از حواریون عیسی، مطالعه می‌شد، او توانست در روز پنطیکاست، وقتی که برخاست و برای ۳۰۰۰ مرد یهودی که از سراسر حوزه‌ی مدیترانه و از نقاط شرقی، تا منطقه‌ی دجله و فرات و نقاط جنوبی شمال آفریقا آمده بودند، سخنرانی کرد، از این کتاب کوچک برای صحبت درباره‌ی روز خداوند استفاده کند، که با آنچه ما مسیحیان پنطیکاست می‌نامیم، گره خورده است.

اما نکته‌ی کلیدی این است که پنطیکاست یک جشن کشاورزی بود، شاوووعوت، هفت هفته پس از پسخ شمارش معکوس بزرگی که منجر به برداشت عمده‌ی جو و گندم در اسرائیل در ماه مه و ژوئن شد. چرا این

را ذکر می‌کنم؟ چون در سراسر این کتاب، به ویژه در دو فصل اول از سه فصل، تأکید بر این است که دیگر کشاورزی و غلات وجود ندارد. این چیزها قطع شده‌اند.

خب، یوئل اسم خیلی رایجی است. یوئل حداقل توسط ۱۲ نفر مختلف در کتاب مقدس استفاده شده است. اکثر ما می‌دانیم که چقدر سخت است که یعقوب‌ها را در عهد جدید و مریم‌ها را راستین نگه داریم.

درست نگه داشتن دیگران نسبتاً دشوار است. در عهد عتیق تعداد زیادی ارمیا و در پیشگویی ارمیا سه نفر به نام ارمیا وجود دارند. بنابراین، نام‌ها بسیار گیج‌کننده می‌شوند.

شخصیت مختلف کتاب مقدس. بنابراین، تعدادی از این جوئل‌ها وجود دارد و من می‌توانم درک کنم ۲۹۳۰، که چرا جوئل می‌تواند نام کاملاً خوبی برای والدین برای نامگذاری فرزند باشد. مانند ملاکی، یوئیل یا میکاه ترکیب یک نام الهی یا قرار دادن یک نام الهی در یک نام برای یک کودک می‌تواند در واقع اعتراف به ایمان تلقی شود.

روی نام او، همانطور که در دانیال، بتل و حزقیال می‌بینید، آن L بنابراین، یوئیل، یهوه خداست. و آن حرف را در بسیاری از نام‌های خاص می‌بینید. بنابراین، نام او مانند میکاه بود.

نام میکاه یک سوال بلاغی می‌پرسد. و پاسخ «هیچ‌کس» است. میکاه، چه کسی مانند یهوه است؟ یا میکائیل، کتبی به نام میکائیل وجود ندارد، اما نام میکائیل همان است.

این یک سوال است. چه کسی مانند خداست؟ میکائیل. و جواب هیچ‌کس نیست.

بنابراین، در کتاب مقدس افرادی وجود دارند که نام خاص آنها پرستی است که پاسخی را می‌طلبد. و این کتاب مقدس از این خدای بی‌نظیر کتاب مقدس عبری سخن می‌گوید. نام یوئیل صرفاً آن را به عنوان تأییدی بر ایمان مطرح می‌کند.

یهوه خداست. ما چیز زیادی در مورد خود یوئیل نمی‌دانیم، جز در ۱: ۱، او پسر پتیوئیل است. به نظر می‌رسد که او دانش نسبتاً خوبی از اورشلیم و محیط آن داشته است.

تاریخ و پرستش آنچه در آنجا می‌گذرد. توجه کنید، او که یک پیامبر پادشاهی جنوبی است، می‌گوید: «در صهیون شیپور بزنید»، ۲: ۱. بنابراین، به نظر می‌رسد که او کسی بوده که از منطقه اورشلیم آمده است. صهیون یک نام شاعرانه زیبا است که به شهر اورشلیم اشاره دارد.

تفسیر کتاب کوچک یوئیل سوالات جالبی را مطرح می‌کند. در این کتاب خاص چه می‌گذرد؟ برخی سعی کرده‌اند کل کتاب را آخرالزمانی یا آخرالزمانی جلوه دهند. پیشگویی‌هایی در مورد تهاجم‌های آینده به سرزمین موعود.

اما باز هم، فکر می‌کنم چیزی که در نیمه اول کتاب داریم این است که یوئیل در حال توصیف یک طاعون واقعی ملخ‌ها است که ملت را مبتلا کرده است. حال، ممکن است این، یعنی ورود لشکر ملخ‌ها به سرزمین، یادآوری بسیار دردناکی بوده باشد، زیرا البته با این موضوع، دعوت خدا به توبه نیز مرتبط بوده است. و البته، بلایای طبیعی راهی برای برانگیختن قلب مردم دارند.

مردم هرگز در زندگی دوران سختی نداشته‌اند. گاهی اوقات، خدا قادر به کمک به این مردم نیست. و بنابراین، ملت در چنین زمانی بسیار آسیب‌پذیرتر بود.

بنابراین، این روز خداوند در تاریخ، که به شکل آفت ملخ رخ داد، ممکن است به نوعی منادی سرنگونی آینده توسط ارتش‌های اطراف بوده باشد. اگر اسرائیل، و در اینجا من در مورد همه قوم خدا صحبت می‌کنم، به توبه به او روی نیاوردند، زیرا توبه در اینجا، درست در بحبوحه آن آفت ملخ، به یک موضوع تبدیل می‌شود.

همانطور که در آیه ۱۳ باب ۲ گفتم، بسیار مهم است که قلب خود را چاک بزنید نه لباس‌هایتان را. آن به معنای بازگشت، بخشی از کتاب دعای عمومی در چهارشنبه، shub/shuv، فراخوان برای بازگشت خاکستر است. روزی که ما را به ۴۰ روز روزه‌داری هدایت می‌کند.

بنابراین، در بحبوحه آفت ملخ، تمایلی برای بازگرداندن قلب مردم به سوی خدا وجود دارد. و در واقع، خدا از طریق این فاجعه، ممکن است بار دیگر قلب مردم را نرم کند تا به سوی او روی آورند. حال، طرح کلی کتاب بسیار ساده است.

فصل‌ها، خب، فصل ۱، آیه ۱ تا ۲.۱۷ این است: روز خداوند نزدیک است، روز خداوند قریب‌الوقوع است. روز خداوند اکنون در تاریخ به شکل بلای ملخ در حال وقوع است. و به طور بالقوه به شکل تهاجم واقعی. یک ارتش، یک ارتش واقعی، در راه است.

اما، اکنون، این داوری در این بلای ملخ نزدیک می‌شود. که سپس با این فراخوان توبه پایان می‌یابد. در آیات ۲:۱۸ تا ۳:۲۱، موضوع همچنین یوم یهوه، روز خداوند است ۲:۱۸.

اما، در اینجا، او بیشتر به روز خداوند در آینده می‌پردازد. و در نهایت، فصل آخر، آینده دور. روز خداوند شامل برکات معنوی و همچنین وعده داوری بر دشمنان قوم خدا است.

و در نهایت، البته، تبریئه قوم خدا در برابر ملت‌های زمین. اما، تأکید بر داوری ملت‌ها و تبریئه اسرائیل. موضوع اصلی فصل آخر است. توصیف آفت ملخ در فصل آغازین بسیار واضح است.

او می‌گوید، این را به فرزندان و نوه‌هایتان بگویید. او در آیه ۴، کلمات متنوعی برای ملخ به کار می‌برد. در واقع، کتاب مقدس کلمات بسیار متنوعی برای ملخ دارد.

و اینجا، او درباره گونه‌های مختلف ملخ صحبت نمی‌کند. اگرچه، ممکن است کینگ جیمز با استفاده از این تصور را در شما ایجاد کند. این یک زبان بسیار عجیب و worm یا palm کلماتی مانند و غریب مربوط به ۴۰۰ سال پیش است.

با توجه به اینکه چهار کلمه مختلف برای ملخ استفاده می‌کند، سعی نمی‌کند (NIV) نسخه ملی بریتانیا تفاوتی قائل شود. نسخه استاندارد اصلاح‌شده هم همینطور. به چند روش مختلف می‌توان ملخ را گفت؟ ملخ، ملخ است.

حالا، نگاه کنید. ملخ. در لغت به معنای آتش‌زننده‌ی زمین است.

کلمه هولوکاست به معنای سوزاندن کامل یا تمام‌عیار است. بنابراین، ایده نامگذاری این موجود که از طریق زمین به عنوان سوزاننده زمین می‌آید، احتمالاً در پشت آن است، اگر همه چیز سبز است و تنها کاری که آنها می‌خواهند انجام دهند این است که همه چیز سبز را بخورند، پس از عبور از آن، همه چیز قهوه‌ای به نظر می‌رسد. قحطی وجود دارد؛ مرگ وجود دارد و همه چیز نابود می‌شود.

بنابراین، آنها زمین را به رنگ قهوه‌ای می‌سوزانند. در واقع، این کاری است که آنها انجام می‌دهند. از نظر می‌گوید که این کاری است که آنها در واقع انجام می‌دهند RSV، طبقه‌بندی، هر کسی که باشند

آنچه ملخ درنده باقی گذاشته، ملخ مهاجم خورده است. آنچه ملخ مهاجم باقی گذاشته، ملخ جهنده خورده است. آنچه ملخ جهنده باقی گذاشته، ملخ ویرانگر

بنابراین، ما به بریدن، هجوم آوردن، جست و خیز کردن و نابود کردن رسیدیم. همه اینها کلماتی هستند که که می‌خواهد کمی متفاوت باشد، متوجه NIV، توصیف می‌کنند ملخ‌ها در مسیر خود چه می‌کنند. حالا می‌شود که تکرار کلمات برای تأکید است، نه برای ایجاد تمایز دقیق

می‌گوید آنچه را که دسته ملخ‌ها باقی گذاشته‌اند، ملخ‌های بزرگ NIV، ملخ، ملخ است، ملخ است. بنابراین خورده‌اند. آنچه را که ملخ‌های بزرگ باقی گذاشته‌اند، ملخ‌های جوان خورده‌اند

حالا، آنچه ملخ‌های جوان باقی گذاشته‌اند، ملخ‌های دیگر خورده‌اند. خوب، دوباره، چهار بار تکرار کردن چیزی، از روی تأکید، نکته را متوجه می‌شوید. تعدادشان زیاد است و ویرانی زیادی به بار می‌آورند

و آنها چه کار می‌کنند؟ خوب، آیه پنجم می‌گوید، اگر شما فردی هستید که زیاد شراب یا آبجو می‌نوشید، به دردسر می‌افتید. آبجو از غلات تهیه می‌شود و شراب از چیزی که ما به آن تاکستان، مراقبت از تاکستان می‌گوییم، تهیه می‌شود. و بنابراین، از تاکستان‌ها مراقبت خواهد شد و مزارع غلات نخواهند داشت

پس ای شرابخواران و مستان، گریه کنید. قومی به سرزمین حمله کرده است، آیه ششم. آن قوم، ملخ‌ها هستند.

و آنها با دندان‌های شیر و نیش‌های شیر ماده می‌آیند. بنابراین، حیوانات دیگر را می‌بزند تا نشان دهند که چگونه شکارچیان زمین هستند. آنها تاکستان‌ها و درختان انجیر مرا ویران کرده‌اند و پوست آنها را کنده‌اند و شاخه‌ها را سفید گذاشته‌اند

ای کشاورزان، ناامید شوید، ای تاکداران، ناله کنید، برای گندم و جو سوگواری کنید. این دوباره گروه سه‌گانه کشاورزی ماست. غلات از بین می‌روند، شراب تازه خشک می‌شود و روغن از بین می‌رود

من به این جملات کوتاه و بریده‌بریده اشاره می‌کنم. غلات از بین رفتند، شراب خشک شد، روغن از بین رفت. به طور تلگرافی، این جمله تأثیر این را نشان می‌دهد

و در شعر عبری، اگر می‌خواهید شدت احساسی آنچه را که می‌خواهید بگویید افزایش دهید، جملات خود را کوتاه می‌کنید. آنها را بسیار بسیار مختصر بنویسید. من برای شما مثالی از این می‌زنم

ناحوم به ویرانی شهر نینوا می‌پردازد. و او متر را حرکت می‌دهد، بنابراین خیلی سریع حرکت می‌کند. ناحوم صدای شلاق، غرش چرخ، اسب تاخت‌وتاز، ارابه‌ی در حال حرکت، سواران در حال تاخت، شمشیر ۳:۲. درخشان، نیزه‌ی درخشان، لشکریان کشته‌شدگان، انبوه اجساد، اجساد بی‌پایان

آنها روی اجساد تلو تلو می‌خورند. و آن وزن خیلی سریع بریده شده در شعر، من را به یاد سرود دبور در فصل ۵ کتاب داوران نیز می‌اندازد. وقتی به اوج این زن بسیار شجاع، یائیل، می‌رسیم که این ژنرال نظامی کنعانی، سیسرا، را می‌خکوب می‌کند و میخ چادر را در سرش فرو می‌کند، و جایی که به صورت شاعرانه

توصیف شده است، می‌گوید، او به سیرا ضربه‌ای زد، سرش را خرد کرد، شقیقه‌اش را خرد کرد، او غرق شد، او افتاد، او در پاهای او دراز کشید، در پاهای او، او غرق شد، او افتاد، جایی که او غرق شد، آنجا مرد

این واقعیت که یک زن توانست به این سرنگونی باشکوه کنعانی‌ها، که در آن زمان در دره جزریل به بنی‌اسرائیل ظلم می‌کردند، دست یابد، شایسته حماسه و سرود بود. بنابراین، شما آن را در جشن یائل به موسیقی تبدیل کردید. بسیار خوب، پس زبان یوئیل در اینجا در توصیف این موجودات چیست

برای ما دشوار است که تصور کنیم گرفتار شدن در یک آفت ملخ واقعی چگونه خواهد بود. برای کمک به ما در این زمینه، عنوان اثر ون لنپ در کتاب «سرزمین‌های کتاب مقدس» است. او یکی از این آفت‌های ملخ محلی را توصیف می‌کند و من فکر می‌کنم کاملاً مؤثر است. او می‌گوید ملخ‌های جوان به سرعت به اندازه ملخ معمولی می‌رسند و در یک جهت حرکت می‌کنند، ابتدا می‌خزند و در دوره‌ای بعد، در حین حرکت می‌پزند و هر چیز سبزی را که در مسیرشان قرار دارد، می‌بلعند

آنها کندتر از یک آتش سوزان پیشروی می‌کنند، اما ویرانی‌هایی که مرتکب می‌شوند به هیچ وجه پست‌تر یا کمتر از آن نیست که ترسناک باشد. مزارع گندم و جو، تاکستان‌ها، باغ‌های توت و باغ‌های زیتون، انجیر و سایر درختان، در عرض چند ساعت، از هر برگ و برگ سبزی محروم می‌شوند، و اغلب حتی پوست درختان نیز از بین می‌رود. زمینی که انبوه ویرانگر آنها از روی آن عبور کرده‌اند، ظاهری عقیم و خشک به خود می‌گیرد.

خب، آیا رومی‌ها آنها را «ملخ سوزان» می‌نامیدند، که معنای تحت‌اللفظی کلمه ملخ امروزی است؟ ملخ‌ها در حال حرکت، زمین را چنان می‌پوشانند که از دید پنهان می‌شوند و در چنان تعداد زیادی هستند که اغلب سه یا چهار روز طول می‌کشد تا این لشکر قدرتمند از آنجا عبور کند. وقتی از دور دیده می‌شوند، دسته ملخ‌های در حال پیشروی شبیه ابری از گرد و غبار یا شن هستند که در حالی که هزاران حشره به جلو می‌پزند، به چند فوت بالاتر از سطح زمین می‌رسند.

تنها چیزی که موقتاً مانع پیشرفت آنها می‌شود، تغییر ناگهانی هوا است، زیرا سرما سرانجام آنها را بی‌حس می‌کند. آنها همچنین شب‌ها ساکت می‌مانند و مانند زنبورها در بوته‌ها و پرچین‌ها جمع می‌شوند تا اینکه خورشید صبح آنها را گرم کند، آنها را احیا کند و به آنها امکان دهد تا در راهپیمایی ویرانگر خود پیش بروند. آنها نه پادشاه دارند و نه رهبر، با این حال تقصیر دارند یا نه، بلکه در صفوف متوالی به پیش می‌روند، با انگیزه‌ای مقاومت‌ناپذیر در یک جهت قرار می‌گیرند و برای هیچ مانعی به راست یا چپ نمی‌روند.

وقتی دیواری یا خانه‌ای سر راهشان قرار می‌گیرد، مستقیماً از آن بالا می‌روند، از پشت بام به آن طرف می‌روند و کورکورانه به سمت درها و پنجره‌های باز هجوم می‌برند. وقتی به آب می‌رسند، چه یک گودال ساده باشد یا یک رودخانه، دریاچه یا دریای آزاد، هرگز سعی نمی‌کنند آن را دور بزنند، بلکه بی‌درنگ به داخل می‌پزند و غرق می‌شوند و اجساد مردگان‌شان که روی سطح آب شناور هستند، پلی برای عبور همراهانشان تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب بلا به پایان می‌رسد، اما اغلب اتفاق می‌افتد که تجزیه میلیون‌ها حشره باعث طاعون و مرگ می‌شود.

تاریخ نمونه‌ی قابل توجهی را ثبت می‌کند که در سال ۱۲۵ پیش از میلاد رخ داده است. این تنها چند دهه پس از پاکسازی معبدی که توسط یونانیان سوری مورد بی‌حرمتی قرار گرفته بود، توسط مکابیان بود. حشرات توسط باد به تعداد بسیار زیاد به دریا رانده شدند، به طوری که اجساد آنها، که توسط جزر و مد به خشکی رانده می‌شدند، بوی تعفن ایجاد کردند که طاعون وحشتناکی را به وجود آورد و به موجب آن نفر در لیبی، کشوری که امروزه روزانه در اخبار است، جان خود را از دست دادند. لیبی کشوری ۸۰۰۰۰ است که مستقیماً در کنار مصر قرار دارد و به سمت غرب می‌رود.

قیروانی یا قیروانی، برادری را که به عیسی در حمل صلیب کمک کرد، به خاطر دارید؟ او اهل قیروان و مصر بود. بنابراین، این کشورهای که در شمال خود دریای مدیترانه را داشتند، تعداد زیادی از مردم خود را به دلیل طاعون از دست دادند - در آن مورد خاص، ۸۰،۰۰۰ نفر.

بسیار خوب، پس آفت ملخ واقعاً وحشتناک بود. فقط چند نکته را می‌خواهم در مورد خود متن توضیح دهم. این ملت ملخ که به زمین حمله کرده‌اند، تمام طبیعت و تمام کشاورزی را نابود می‌کنند و واقعاً اقتصاد را ویران کرده‌اند.

حال، دلیل جذابیت بعل‌گرایی در اسرائیل باستان دو دلیل اصلی است، واقعاً جذاب بود زیرا دو قوی‌ترین غرایز بشر، غریزه جنسی و غریزه بقا است. ما در کتاب هوشع دیدیم که چرا اسرائیل در پادشاهی شمالی در برابر فحشای مقدس و کل فرقه بعل آسیب‌پذیر بود.

اما مورد دیگر این است که شما باید زنده بمانید. شما باید زنده بمانید.

و طبیعت نقش زیادی در این امر دارد. اگر طبیعت با شما خیلی خوب رفتار نمی‌کند، اگر بستر رودخانه‌ها خشک شده است، اگر زمین قهوه‌ای شده و هیچ محصولی برای برداشت وجود ندارد، پس بعل کسی است که مسئول همه اینهاست. و بنابراین، البته، افرادی در اسرائیل که سالانه جذب فرقه بعل می‌شدند، این ایده بعل و موت را از سر می‌گذرانند.

موت، خدای مرگ، در حال گلاویز شدن. موت بعل را می‌کشد. پوشش گیاهی هر سال در ماه آوریل یا مه می‌میرد.

زمین به مدت پنج یا شش ماه قهوه‌ای است. و سپس، با شروع دوباره باران در پاییز، بعل دوباره زنده می‌شود و بنابراین، چرخه‌های طبیعت، و زمین دوباره زنده می‌شود، و محصولات بار دیگر آنچه را که قرار است به بار آورند، به بار می‌آورند.

این خیلی حیاتی بود. بنابراین، تمام سرزمین تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته است. در آیه ۷، به درختان انجیر اشاره می‌کند.

دو منبع اصلی قند در رژیم غذایی در دوران عهد عتیق انجیر و خرما بودند. این دو منبع اصلی قند شما هستند. بنابراین، درختان انجیر در آیه ۷ از بین رفته‌اند. البته، درخت انجیر در ادبیات نبوی معنای دیگری دارد.

همانطور که از خواندن کتاب میکاه می‌دانید، اگر بتوانید زیر درخت انجیر یا تاک خود بنشینید، این نمادی از رفاه و صلح است و احتمالاً این ایده که می‌توانید در خارج از دیوارهای شهر به راحتی زندگی کنید. البته انجیر خشک خورده می‌شود. اول سموئیل ۲۵ به این موضوع اشاره می‌کند.

و یک بار ضمادی از انجیر روی جوش پادشاه حزقیا گذاشته شد. و طبق اشعیا ۳۸:۲۱، مردم به دنبال استفاده دارویی از انجیر بودند. من اشعیا ۳۸:۲۱ را خواندم، ضمادی از انجیر تهیه کردم و آن را روی جوش گذاشتم و او بهبود یافت.

ما در ادبیات باستانی اوگاریتی کنعانیان می‌دانیم که انجیر به طور منظم برای اهداف دارویی در آنجا استفاده می‌شده است. بنابراین وقتی در مورد انجیر صحبت می‌کنیم، فقط اشاره می‌کنم که ما انجیر را به عنوان چیزی

برای خوردن یا شاید یک درخت برگ‌دار در نظر می‌گیریم که می‌توانید زیر آن زیر آفتاب داغ خاورمیانه برای تسکین یا اهداف دیگر بنشینید. بنابراین می‌گویید، پلاس قهوه‌ای تیره و سیاه خود را بیرون بیاورید، آیه ۸، و شروع به سوگواری کنید.

چون نذورات غلات و نوشیدنی‌های شما قطع شده است. شراب، روغن و غلات شما از بین خواهد رفت. او همچنین اشاره می‌کند که از آنجایی که این موضوع در ده سال گذشته در فرهنگ آمریکایی بسیار مهم بوده است، بازاریابی آب انار مهم است.

انار به معنی سیبی با دانه است. و چیزی که انار را هنگام برش مشخص می‌کند، دانه‌های بی‌شماری است که این میوه دارد. به همین دلیل است که به عنوان سیبی با دانه توصیف می‌شود.

در فرهنگ عرب خاورمیانه، اغلب رسم بود که اناری را بردارند و آن را از آستانه خانه جدید بشکنند. این رسم به نوعی خانه را برای زوج‌های تازه ازدواج کرده با این دعا غسل تعمید می‌داد که به تعداد تمام این صدها دانه‌ای که روی در خانه‌شان پخش شده، فرزند داشته باشند. به عبارت دیگر، ازدواجی پربرکت با فرزندان متعدد داشته باشند.

جالب است که در فرهنگ امروز اسرائیل، جایی که اعراب به نظر می‌رسند، نماد انار منطقی به نظر می‌رسد زیرا آنها به طور متوسط دو برابر یهودیان اسرائیل فرزند دارند. انار البته یک نوشیدنی گوارا بود. گاهی اوقات، از آن برای اهداف دارویی استفاده می‌شد.

از انار برای تزئین استفاده می‌شد. همانطور که به یاد دارید، کاهن اعظم، خروج ۲۸، انارهایی را برای تزئین لباس خود داشت. و ضمناً، ۲۰۰ انار سرستون‌های معبد سلیمان را تزئین می‌کردند.

اول پادشاهان ۷. بنابراین، این یک موضوع بسیار رایج بود. یک سنت قدیمی در آن بخش از جهان وجود دارد که اولین شربت تولید شده، تهیه آب انار مخلوط با برف بوده است. بنابراین، انار از بین می‌رود.

ضمناً، انارها معمولاً در پایان سال کشاورزی، در پایان تابستان، برداشت می‌شدند. انارها و انگورها معمولاً از اواخر مرداد تا شهریور می‌رسیدند. در اینجا به انواع دیگری از درختان اشاره شده است.

درخت نخل. حالا، ممکن است به درخت نخل فکر کنید، اما این فقط به این دلیل است که دست تکان دادن هنگام ورود پادشاه به شهر زیباست. و می‌توانید با تکان دادن کف دست‌هایتان خیلی باوقار بگویید «هوشیاعانا».

اما میوه نخل، خرما بود که امروزه در سراسر خاورمیانه، نخل خرما تولید می‌کند و اعراب آن را می‌خورند و شترها هم همین خرما را می‌خورند. شترها عاشق این خرماها هستند. برگ‌های نخل که گاهی اوقات می‌توانند تا ۵ یا ۶ فوت طول داشته باشند، برای بافتن حصیر استفاده می‌شدند.

یکی از یافته‌های شگفت‌انگیز در بالای ماسادا، زمانی که یادین در دهه ۱۹۶۰ چندین سال در ماسادا کاوش کرد، کشف این اشیاء بود که در آنجا به دلیل خشکی، سالم مانده‌اند، از جمله سبدهای بافته شده با نخل نمونه‌ای از این موضوع وجود دارد زیرا از نخل برای بافت حصیر استفاده می‌شده است. یکی از نام‌های بسیار محبوب در اسرائیل برای دختران، تمار است.

تامار. در واقع، نام او در فصل اول متی به دلیل ارتباطش با یهودا در ماجرای در پیدایش فصل ۳۸ آمده است. اما تامار کلمه نخل است. و احتمالاً نماد ظرافت و زیبایی و قامتی بلند، یک تنه، بدون شاخه، و با شکلی بسیار زیبا بوده است.

بسیار خوب، پس همه این چیزهایی که با دنیای زندگی روزمره و طبیعت سروکار داشتند، در معرض این شکارچی، این ملخ که به سرزمین می‌آید، قرار داشتند. بنابراین او مردم را فرامی‌خواند تا پلاس ببوشند و با روزه، اجتماع مقدس اعلام کنند. حال، تنها روز روزه‌داری اجباری در اسرائیل باستان، یوم کیپور بود.

در واقع، محروم کردن خود از غذا به لحاظ فنی در رابطه با لاویان ۱۶ و یوم کیپور ذکر نشده است. چندین بار گفته شده است که شما باید خود را محروم کنید. اکنون، از نظر تاریخی، این به عنوان محروم کردن خود از غذا و اغلب نوشیدنی برای آن دوره زمانی درک شده است.

اما روزه‌داری در کتاب مقدس اغلب با سوگواری، غم جمعی و اندوه فردی همراه بوده است. کتاب استر تقریباً شکلی از دعا را به خود می‌گیرد که در آن جامعه گرد هم می‌آیند و با توجه به نقشه‌های هامن برای نابودی جامعه، روزه می‌گیرند، بنابراین آنها به روزه روی می‌آورند تا بتوانند بر خدا تمرکز کنند. جالب است که کلیسا چگونه به این موضوع روزه‌داری که در پیامبران بسیار رایج است، نگاه کرده است.

اغلب پیامبران روزه را کنار می‌گذاشتند، زیرا روزه با نمایش ظاهری دین و روش‌های ظاهری که مردم گاهی اوقات به دنبال تأثیر قرار دادن دیگران بودند، مرتبط می‌شد. نوعی خودپرستی. و بنابراین، پیامبران چه می‌کردند؟ بهترین فصل در کل کتاب مقدس در مورد اینکه روزه واقعی چیست، در کتاب پیامبران آمده است.

این اشعیا ۵۸ است. اشعیا ۳:۵۸ چرا روزه گرفته‌ایم؟ و شما آن را ندیده‌اید؟ چرا خود را فروتن کرده‌ایم؟ و شما متوجه نشده‌اید؟ با این حال، در روز روزه‌داری خود، هر کاری که دلتان می‌خواهد انجام می‌دهید و از همه کارگران خود سوءاستفاده می‌کنید. می‌بینید، این بسیار نبوی است.

من دارم روزه می‌گیرم. من مراسم و آیین را اینجا انجام می‌دهم. چرا باید شکایت کنی، ای خداوند؟ و خداوند می‌گوید، هی، تو تمام روز روزه می‌گیری، اما دیگران را استثمار می‌کنی.

روزه شما به نزاع ختم می‌شود. اشعیا ۴:۵۸ و جنگ و ستیز، و زدن یکدیگر با مشت‌های شرور. در روزه شما؟ روزه به طور خودکار معادل معنویت نیست.

آیا این نوع روزه ای است که من برگزیده‌ام؟ این نسخه خدا از روزه است. اشعیا ۵۸.۶ برای گشودن زنجیرهای بی‌عدالتی، باز کردن بندهای یوغ، آزاد کردن مظلومان و شکستن هر یوغی. آیا این نیست که غذای خود را با گرسنگان تقسیم کنید و به فقیران آواره سرپناه دهید؟ پس، بی‌عدالتی، ظلم، کمک به نیازمندان غذا، بی‌خانمان‌ها، وقتی برهنه ای را می‌بینید، او را ببوشانید.

انگار داریم انجیل متی ۲۵ و داوری بزرگ گوسفندان و بزها را می‌خوانیم، اینطور نیست؟ و متی حتماً برای درک این نوع معیارها که به اصل عدالت اجتماعی و نحوه رفتار ما با هموعانمان می‌پردازد، دست به سرقت ادبی زده است. این نسخه خدا از روزه است. وقتی در مورد روزه گرفتن لاف می‌زنید، تقریباً یک طعنه وجود دارد، در حالی که خدا می‌گوید وقتی خودتان را صرف سیر کردن گرسنگان می‌کنید، واقعاً روزه گرفتن را به درستی درک می‌کنید.

این روزه واقعی است. شما به طرف مقابل غذا می‌دهید. یکی از نکات جالب این است که کلیسا تمایل داشت روزه‌داری را به عنوان یک رعیت معنوی مهم کنار بگذارد.

همه ما می‌دانیم که برخی در کلیسا این نظم و انضباط را زنده نگه داشته‌اند، اما به دلیل ارتباط آن با شریعت‌گرایی و خودپرستی و نمایش عمومی دین، همانطور که عیسی در متی ۶:۱۶ دوباره به دلیل سوءاستفاده از روزه‌داری به آن حمله می‌کند. بنابراین، ما نباید بی‌خیال شویم. این یکی از درس‌هایی است که از پیامبران می‌آموزیم.

فقط به این دلیل که یک تمرین معنوی مشروع، یعنی روزه گرفتن، وجود دارد، ما آن را با معنای صحیح عین می‌کنیم، نه اینکه صرفاً این عمل را به طور کلی متوقف کنیم. حالا، می‌خواهم کمی در مورد روز خداوند صحبت کنم. در ۱:۱۵ اولین مورد از پنج مورد وقوع یوم یهوه، روز خداوند، را داریم.

و در آیه ۱:۱۵ مشاهده خواهید کرد که روز خداوند نزدیک است. این روز مانند هلاکتی از جانب قادر مطلق خواهد آمد. بنابراین، روز خداوند با داوری مرتبط است.

در آیه ۲:۱، دومین رخداد روز خداوند، همه ساکنان زمین بلرزند، زیرا روز خداوند فرا می‌رسد. نزدیک است. روزی از تاریکی، ظلمت، روز ابرها و سیاهی.

و او ادامه می‌دهد و درباره آمدن یک ارتش بزرگ و قدرتمند صحبت می‌کند. بنابراین دوباره، از داوری صحبت می‌کند. سومین مورد در ۲:۱۱ یافت می‌شود. روز خداوند عظیم است، و وحشتناک یا مهیب است.

چه کسی می‌تواند آن را تحمل کند؟ بنابراین، روز خداوند چیزی نیست که به راحتی بتوان گفت. آن را طبق تعریف خدا بیاورید. عاموس مجبور بود با آن تعریف رایج از روز خداوند کنار بیاید، که اساساً می‌گفت، بله بیاوریدش، زیرا دیگران، ملت‌های دیگری که به قوم عهد شما بی‌احترامی کرده‌اند، شما آنها را با روز خداوند نابود خواهید کرد. این برای آنها یک فاجعه خواهد بود، اما ما تبرئه خواهیم شد.

ما اهل خیر و نیکی هستیم. چهارمین مورد از روز خداوند در آیه ۲:۳۱ یافت می‌شود که در خطبه پنطیکاست پطرس ظاهر می‌شود، که در مورد آمدن روز بزرگ و وحشتناک خداوند، همراه با نشانه‌های آسمانی، خورشید، ماه و غیره صحبت می‌کند. و سپس آخرین روز خداوند در آیه ۳:۱۴ است. انبوه، انبوه در دره داوری، زیرا روز خداوند، در دره داوری نزدیک است.

حال، در هر یک از این زمینه‌ها، و بعد از وقفه به این موضوع برمی‌گردم، روز خداوند به مداخله خدا در تاریخ اشاره دارد. آمدن مقتدرانه خدا در تاریخ برای داوری. تصور رایج این بود که باید دیگری را داوری کرد. نه ما را.

پیامبران می‌آیند و می‌گویند، نه، داوری از خانه خدا شروع می‌شود. اینقدر عجله نکنید. اما، این به معنای داوری بر اسرائیل نیز هست.

و چه به دلیل آفت ملخ باشد، چه به دلیل بلایای طبیعی، یا به دلیل ارتش‌های مهاجم، اینها تنها منادیان چیزی هستند که در اطراف خود می‌بینید، تنها نشانگرهای یک روز بزرگ و نهایی خداوند هستند. اینها روزهای زیادی از جانب خداوند برای مقابله با آفت ملخ هستند. این فقط از مداخله بزرگتری در تاریخ آینده سخن می‌گوید.

و همانطور که کتاب مقدس آن، آن رویداد بزرگ و اوج گیرنده، و به تعبیر آخرین کلمات عهد عتیق، ملاکی را آشکار می کند، در ظهور الیاس نبی، الیاهو هاتشبئی، الیاس نبی پیش از روز بزرگ و هولناک خداوند می آید. او پیش درآمدی بر مسیح است. بنابراین، به عبارت دیگر، روز بزرگ خداوند در واقع شامل مداخله شخصی خداوند در تاریخ است که در پنطیکاست آغاز شد.

این چیزی است که یوئیل گفت، زیرا او هر آنچه را که در پنطیکاست اتفاق می افتاد با آنچه یوئیل ۲ درباره اش نوشته بود، برابر می داند. اما نه اوج یا کمال یا جمع بندی نهایی کامل آن مفهوم. روز آخر خداوند هنوز در انتظار تبریته اسرائیل توسط خود خداست.

و این در پایان این دوره اتفاق می افتد. بسیار خوب، بعد از استراحت چیزهای بیشتری در این مورد خواهیم گفت. امیدوارم هر کجا که هستید، اوقات خوبی داشته باشید و سالم و سلامت برگردید.

این دکتر مارو ویلسون است که در حال تدریس در مورد پیامبران است. این جلسه هفدهم در مورد کتاب یوئیل است.